

مدرسه هراسی و مدرسه گریزی در کودکان و نوجوانان

اشرف مظلوم



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

کسانی که شاهد مناظر فوق هستند، ممکن است این سؤالات را مطرح کنند که: "چرا این بچه‌ها نمی‌خواهند در مدرسه بمانند؟ اگر به مدرسه نروند، چه بلایی بر سرشان خواهد آمد؟، شغل آینده‌شان چه خواهد شد؟، و آیا اصولاً فردی بهنجار خواهند بود؟"

بطورکلی، کودکانی که به نوعی از مدرسه "کناره می‌گیرند"، به دو دسته تقسیم می‌شوند:

- ۱ - عده‌ای که از مدرسه هراس دارند.
- ۲ - عده‌ای که از مدرسه می‌گریزند.

در روزهای آغاز کارمدارس، اغلب شاهد کودکانی هستیم که از ورود به مدرسه خودداری می‌کنند. آنها درحالی که ناله سر می‌دهند و اشک می‌ریزند، از والدینشان جدا می‌شوند. چنین کودکانی با اصرار فراوان خواهان بازگشت به منازل خود هستند، و اغلب نیز درکارشان موفق می‌شوند. عده‌ای دیگر از کودکان نیز، درحالی که کیف و کتاب‌های خود را برداشته‌اند، به آرامی از مدرسه خارج می‌شوند. آنها به هیچ وجه حاضر نیستند که درکلاسهای مدرسه حضور داشته باشند.

غیبت‌ها توصیفی از مدرسه هراسی کودک باشد.

شیوع و رواج

حدود ۱/۲۴٪ از کل دانش‌آموزان دچار هراس از مدرسه، و ۳/۳۲٪ از کل دانش‌آموزان مبتلابه مشکل مدرسه‌گریزی هستند. ۶۹٪ از افرادی که با نامهای گوناگون دچار هراس هستند، مدرسه هراس می‌باشند.

هراس از مدرسه کمابیش در تمام سطوح هوشی و در تمام سنین دیده می‌شود، لیکن این اختلال در بچه‌های زیر ۱۰ سال، به ویژه در کلاسهای پایین‌تر نزدیک به واقعیت می‌باشد. در پسران، مدرسه‌گریزی و در دختران، مدرسه هراسی، بیشتر دیده می‌شود. مدرسه‌گریزی در خانواده‌هایی با درآمد اقتصادی پایین و مدرسه هراسی در خانواده‌هایی با درآمد اقتصادی - اجتماعی بالا شیوع دارد.

مدرسه‌گریزی

مدرسه‌گریزی در محیطهایی صورت می‌گیرد که از نظر عاطفی خشنی و فاقد محرکهای لازم است. این اختلال در دسته‌بندیها جزو مسائل اجتماعی به شمار می‌آید و به دو صورت دیده می‌شود:

در نوع اول، والدین از مسأله اطلاع دارند و کودکشان را در خانه نگه می‌دارند تا به آنها کمک کند. چنین خانواده‌هایی به آموزش و مسائل اجتماعی ارجحی نمی‌نهند و تنها به کسب درآمد فکر می‌کنند.

در نوع دوم، والدین از مسأله اطلاع ندارند. تصور آنها از کودک خود این است که او هرروز صبح به مدرسه می‌رود و در موقع مناسب به خانه بازمی‌گردد. در حالی که کودک هرروز صبح از خانه خارج می‌شود و در اطراف مدرسه یا خانه، پرسه می‌زند و هنگامی که سایر بچه‌ها به خانه برمی‌گردند، او نیز به خانه می‌آید. در این حالت، کودک به همان میزانی که از مدرسه غیبت کرده است، از خانه نیز غایب بوده است.

در برخورد اول به نظر می‌رسد که عامل اصلی این "هراس یا گریز"، مدرسه باشد، اما بررسیهای انجام شده نشان می‌دهد که این دو پدیده از خانواده نشأت می‌گیرد و مدرسه تنها ۲۰٪ در آن مؤثر است. توجه به مدرسه هراسی^۱ و مدرسه‌گریزی^۲ از جنبه‌های گوناگونی حائز اهمیت است، زیرا دومشکل فوق برای کودکان یک مسأله بالینی، برای مدرسه یک مسأله تربیتی و برای خانواده یک مسأله در مورد ارتباطات متقابل می‌باشد.

قبل از آنکه با تفصیل بیشتری به بحث درباره موضوعات فوق بپردازیم، به مسأله "غیبت از مدرسه" که در هر دوگروه از کودکان دیده می‌شود، توجه می‌کنیم.

غیبت

از همان ابتدای اجباری شدن مدارس تاکنون، ثبت غیبتهای دانش‌آموزان در دفاتر حضور و غیاب به طور منظم انجام می‌گیرد و از نظر سازمان مدارس، علل غیبتها عبارت است از:

- غیبت به دلیل تصادف اتوموبیل یا بیماری جسمانی
- تأخیر ورود
- استفاده از تعطیلات

اما منظور اصلی ما، توجه به دو دسته از غیبتهاست. دانش‌آموزی که هفته‌ای یک‌بار از مدرسه غایب می‌شود، با دانش‌آموزی که بطور پیوسته در طول هفته از مدرسه غیبت می‌کند، باهم فرق دارند. در بررسی مسأله غیبت از مدرسه متوجه شده‌اند که مدرسه‌گريزان، به طور متناوب از مدرسه غایب می‌شوند، و پدر و مادر آنها نیز معمولاً از این موضوع آگاهی ندارند؛ در حالی که مدرسه هراسان، بطور پیوسته وطنی دوره‌های طولانی، به مدرسه نمی‌روند و پدر و مادرشان نیز از این مسأله مطلع هستند.

لازم به ذکر است که ما باید به آن دسته از غیبت‌هایی که به علت "بیماری" موجه محسوب می‌شود، شک کنیم، زیرا امکان دارد این گونه



خصوصیات بالینی مدرسه‌گریزان

معمولاً این کودکان، تنومند و ماجراجو به نظر می‌رسند و خواهان تغییر مداوم در محیط هستند. علائق استواری ندارند و در خردسالی روابط گرم و صمیمی نداشته‌اند. دارای رفتارهای ضد اجتماعی هستند و این رفتار خود را بیشتر در زندگی روزمره نشان می‌دهند. مثلاً از دروغ‌گویی موقعی استفاده می‌کنند که تمایل داشته باشند به مدرسه برگردند. در این صورت از امضای جعلی یا تقلید صدای دکتر از پشت تلفن استفاده می‌کنند تا غیبت خود را موجه نمایند.

آنها به خانواده‌هایی تعلق دارند که از هم پاشیده است و والدین علاقه‌ای به انضباط کودک ندارند. در چنین خانواده‌هایی روابط گرم و صمیمی وجود ندارد و فقر عاطفی و مادی بر آن حاکم است. از علل مدرسه‌گریزی می‌توان موارد زیر را برشمرد:

۱ - آموزش‌های مدرسه بیش از توان کودک است و او درسها را نمی‌فهمد. اغلب قادر نیست با همکلاسیهای خود رقابت کند، زیرا هرچه تلاش می‌کند نتیجه‌ای ندارد.

۲ - در موارد نادرتر، آموزش در سطحی است که برای یک کودک باهوش مفید به نظر نمی‌رسد. بنابراین او نمی‌تواند در برابر این آموزش کم‌بی‌اعتنا باشد.

۳ - ترس از تنبیه، یا مورد تمسخر واقع شدن در مدرسه نیز یکی از علل فرار کودک می‌باشد.

۴ - بی‌توجهی والدین نسبت به کودک، یکی دیگر از علل مدرسه‌گریزی است، به‌طوری‌که او مجبور می‌شود با لباس پاره به مدرسه برود.

مدرسه‌هراسی

چنین کودکانی تمایل به مدرسه رفتن ندارند، و یا اگر بروند، فرار کرده، یک راست به خانه برمی‌گردند. آنها معمولاً از وقوع یک سانحه یا مصیبت صحبت می‌کنند که ممکن است هنگام حضورشان در مدرسه، برای خانواده اتفاق بیفتد. به

عبارت دیگر، نوعی "آشفستگی عاطفی همراه با اضطراب شدید" دارند، که باعث غیبتشان می‌شود. در مدرسه‌هراسی، کشمکش درونی کودک به موقعیت مدرسه منتقل می‌شود. تعویض مدرسه، در درمان هراس او تأثیر ندارد و تنها باعث می‌شود که هراس، به موقعیت دیگر منتقل شود. به‌طور مثال کودک از پنجره‌های مدرسه جدید وحشت دارد. بنابراین مدرسه‌هراسی یک نشانهٔ مرضی است که روی یک ناراحتی عمیق عاطفی را می‌پوشاند. کودکان مدرسه‌هراس، همراه با ترس خود یک

تجربه کرده است، متفاوت می باشد. بعضی از کودکان مواجهه با این واقعیت را نمی توانند تحمل کنند، و از این رو به چیزی روی می آورند که با آن مانوسترند، و این همان واقعیت "خانه" است. ولی مدرسه نخستین مکانی می باشد که کودک ناگزیر است بدون حمایت مادرش در آن به سر برد. این در حالی است که عده ای از کودکان تغییر فوق را به راحتی می پذیرند و رفتن به مدرسه برای آنها پراز هیجان می باشد.

۲ - اضطراب جدایی از مادر:

علت اصلی مدرسه هراسی، جدایی از مادر است که خود را به صورت نرفتن به مدرسه و هراس از آن جلوه می دهد. به این صورت که مادر و کودک بشدت به هم وابسته اند، و همین وابستگی باعث می شود که کودک تصور کند در هنگام جدایی، برای خود یا مادرش اتفاقی می افتد، در حالی که ماندن او در خانه نیازها و اضطرابهای کودک و مادر را ارضاء می کند. حمایت بیش از حد مادر از فرزندش در منزل، باعث می شود که این وابستگی تشدید شود.

۳ - تغییرات متضاد در رفتار مادر:

کودک تصور می کند که اگر در خانه نباشد ممکن است در رفتار مادر تغییراتی صورت گیرد که متضاد با رفتار قبلی وی باشد. یعنی ممکن است دیگر او را دوست نداشته باشد.

۴ - تخیلات کودک:

گاهی کودک تصور می کند که اگر از کنار مادر دور شود، ممکن است یک حادثه ناگوار برای او پیش بیاید. مثلاً مادر فوت کند یا بیمار شود.

۵ - تعارض در رفتار پدر یا مادر:

گاهی پدر یا مادر، در شخصیت خود تعارض دارند و آن را در ارتباط با کودک نشان می دهند. مثلاً مادر می گوشت تا فرزندش را در مرحله کودکی نگهدارد، و نشانه ای که کودک از خود بروز می دهد،

سلسله عوارض جسمانی نشان می دهند؛ مثل دل درد، سردرد و حالت تهوع، که برای دردها هیچ منشأ مشخصی در سیستم بدنی آنها یافت نمی شود. والدین که نگران سلامت کودک هستند، غالباً برای رفتن به مدرسه به زور متوسل نمی شوند. و جالب اینکه، حالات جسمانی فوق زمانی رفع می شود که فشار رفتن به مدرسه در کودک کم بشود. به طوری که در روز تعطیل این عوارض اصلاً دیده نمی شود. اما اگر فشار رفتن به مدرسه در کودک کاهش یابد، ناسازگاری شدت یافته و کار به جایی خواهد رسید که او از بسیاری کارها کناره گیری کرده، در نهایت از مدرسه نیز کناره گیری خواهد کرد.

خصوصیات بالینی "مدرسه هراس" ها:

این کودکان خجول و بسیار باهوش هستند. در محیط مدرسه ترسو و غیرفعال، اما درخانه فعال و نترس هستند. آنها در دوران کودکی تجربه جدایی از مادر را نداشته و از حمایت های شدید مادر برخوردار بوده اند. این کودکان روی هم رفته دارای خانواده های بسیار گرم و صمیمی هستند و غالباً مادر در رأس کارهای خانه قرار دارد.

انواع اختلال مدرسه هراسی

انواع اختلال مدرسه هراسی عبارت است از:

- ۱ - حالت حاد و عصبی
 - ۲ - حالت مزمن یا ناشی از منش کودک
- مبتلایان به نوع اول از نظر میزان اختلالهای مربوط به والدین، پیش بینی و واکنش نسبت به درمان در وضعیت بهتری قرار دارند.

علل مدرسه هراسی

- ۱ - ترس ناشی از ترک کردن خانه:

ریشه اختلال هراس از مدرسه این است که کودک می ترسد خانه را ترک کند، و اگر او را وادار به این کارکنیم، هراسش مبدل به مدرسه هراسی خواهد شد. روان شناسان معتقدند که مدرسه واقعیتی است خارجی، و با آنچه کودک در خانه

در مدرسه، دچار اشکال است. یعنی او گوشه‌گیر بوده، یا با معلم و دانش‌آموزان دیگر، تماس نمی‌گیرد و به طور کلی از بودن در مدرسه احساس شادی نمی‌کند. گاهی نیز کودک مدرسه هراس، مشکلاتی در زمینه تحصیل دارد و نمی‌تواند بر آنها غلبه نماید، و بدین ترتیب دچار عدم موفقیت شده، مدرسه هراس خواهد شد.

۶- فشارهای روانی :

گاهی کودک مدرسه هراس، به دلیل مورد تمسخر واقع شدن، از رفتن به مدرسه امتناع می‌کند، زیرا او دارای مشکلات عضوی از قبیل نقایص شنوایی یا گویایی است.

۷- کشمکش درون خانواده :

برخی از والدین از ارائه هرگونه راهنمایی به کودک خود کوتاهی می‌کنند و در عین حال از او توقع رفتاری در حد یک نابغه دارند. وقتی کودک مطابق با این توقع در درس نمره نمی‌گیرد، وی را تنبیه کرده، به مدرسه نیز شکایت می‌کنند که چرا او را مجبور به درس خواندن نکرده‌اند. بنابراین کودک از مدرسه رفتن هراس دارد.

۸- وجود مادران مبتلا به نوروز :

گاهی مادران، از اینکه بگذارند کودک به تنهایی به مدرسه برود، وحشت دارند. به همین دلیل خودشان او را به مدرسه برده و برمی‌گردانند. آنها دائم نگران این موضوع هستند که "نکند که کودک در مدرسه مریض شود." و یا "در راه اتفاق بدی بیفتد". آنها نگرانی خود را به طور غیر مستقیم به کودکان منتقل می‌نمایند. مثلاً با لزش صدا به کودک می‌گویند: "مدرسه که ترس ندارد".

۹- محیط مدرسه :

گاهی کودک نسبت به مدرسه یا یکی از جنبه‌های آن، نگرش منفی دارد. به عبارت بهتر او مدرسه را دوست نداشته، آنجا را محیطی مغشوش می‌داند. گاهی نیز کودک از نظر سازگاری اجتماعی

عوامل مؤثر مدرسه هراسی، در دوره ابتدایی
همان طور که گفته شد، گاهی مدرسه محلی برای ایجاد تنش می‌شود. عوامل مدرسه هراسی در مقطع ابتدایی به صورت زیر خلاصه می‌شود:

۱- ناظم مدرسه که نسبت به کودکان خشونت نشان می‌دهد و مقررات انضباطی سختی در مدرسه حاکم می‌کند.

۲- معلم کلاس که رابطه خشک و جدی با شاگردان دارد و از تنبیه استفاده کرده، یا داد و فریاد می‌کند. به عبارت بهتر توقع اضافی از شاگردان دارد.

۳- وجود دوگروه تنبل و زرنگ که در کلاسها دیده می‌شود. شاگردان تنبل نسبت به خود دید منفی دارند و این خود کم بینی همراه با تمسخر شاگردان دیگر، باعث فزاید مدرسه می‌شود.

عوامل مؤثر در سطح متوسطه

عواملی که در سطح متوسطه باعث تنش در نوجوان می‌شود عبارت است از:

۱- ترس از معلم خشک و سختگیر که در کلاس سخنان طعنه‌آمیز به زبان می‌آورد.

۲- ترس از دانش‌آموزان قلدر که او را اذیت کرده، یا مسخره می‌کنند.

۳- ترس از شکست در تحصیل.

۴- ترس از تنبیه شدن و طرد شدن از سوی

والدین.

۵- تنفر از درس یا معلمی خاص.

مدرسه هراسی و مدرسه‌گریزی در نوجوانان
نشریه "لانسیت" در سال ۱۹۶۶ اعلام کرد که



حالات اضطراب و هراس در مراحل مختلف زندگی دیده می‌شود. " این اضطراب در دوران کودکی به صورت اضطراب جدایی از مادر؛ در دوران نوجوانی به صورت اضطراب و هراس از مدرسه؛ و در دوران بزرگسالی به صورت اضطراب از مرگ" دیده می‌شود.

بنابراین مسألهٔ مدرسه هراسی و مدرسه‌گریزی فقط خاص کودکان نیست، بلکه در نوجوانان نیز دیده می‌شود. منشأ درونی این هراس این است که نوجوان می‌خواهد خود را از وابستگی به والدین رها کرده، بتدریج مسئولیتی در قبال اعمال و افکارش بپذیرد. به همین دلیل به محیطی نیاز دارد که امن باشد، تا جنبه‌های مختلف شخصیت خویش را آزمایش کند. این محیط امن می‌تواند "خانه و دامن مادر" باشد. به همین دلیل به مادر متکی می‌شود. او یا نرفتن به مدرسه می‌خواهد مسائل خویش را حل نماید.

منشأ مدرسه‌گریزی معمولاً به این صورت است که از یک سو والدین تصور می‌کنند که اگر نوجوان خود را آزاد بگذارند، وی را از دست می‌دهند. و از سوی دیگر، معتقدند اگر نوجوان زیاد به مدرسه برود، افکار والدین را "قدیمی" می‌پندارد. به همین دلیل از رفتن او به مدرسه، ممانعت می‌کنند.

نظریات مربوط به مدرسه هراسی

۱- نظریه روانکاوان :

روانکاوان علت اصلی را اضطراب "جدایی از مادر" می‌دانند. آنها معتقدند که مادران کودکان مبتلا به هراس از مدرسه، خودشان نیز به مادرانشان وابستگی داشته‌اند. آنها با کودک خود احساس همدردی کرده، بشدت مراقب او هستند. همچنین این قبیل مادران تمام نیازهای کودک را برآورده می‌کنند، و در برابر پرخاشجوییهای او تعارضهای غیرمعقول دارند، که تربیت کودک را مشکل می‌کند. "ویلسون" روابط سه نسل از مادران را مورد بررسی قرار داد: "روابط مادر بزرگ، مادر، دختر". وی

در تحقیق خود به این نتیجه رسید که مادرها، به مادر بزرگها متکی بودند. آنها احساس می‌کردند که نیازهای عاطفی‌شان هنوز ارضاء نشده است و به همین دلیل نمی‌توانند از والدینشان جدا شوند. در حالی که خودشان نیز از این وابستگی ناراحت بودند. مادران اعتقاد داشتند که مادران خودشان در نحوهٔ تربیت آنها اشتباه کرده‌اند، و می‌خواستند که آنها اشتباهات فوق را در مورد کودک خود تکرار نکنند. به همین جهت سعی داشتند که دختران کم سن خود را با ابراز اعتماد بیش ازحد، به بزرگسالی برسانند.



از سوی دیگر، روانکاوان معتقدند که کودکان یک سلسله تمایلات پرخاشجویانه نسبت به مادر خود دارند که نمی‌توانند آنها را نسبت به او ابراز کنند، زیرا از طرف مادر طرد خواهند شد. به همین خاطر این تمایلات را نسبت به مدرسه ابراز کرده، مدرسه هراس می‌شوند.

۲ - نظر رفتارگرایان :

رفتارگرایان اعتقاد دارند کودکان این را آموخته‌اند که: "مدرسه مساوی است با از دست دادن مادر". به همین جهت از مدرسه می‌ترسند. مطلب فوق از این گفته تهیدید آمیز والدین ریشه می‌گیرد که: اگر از مدرسه برگردند، دیگر درخانه نخواهند بود.

۳ - نظریه لونتال :

لونتال معتقد است که هراس از مدرسه به علت ترس واقعی از مدرسه می‌باشد. او می‌گوید که کودکان مدرسه هراس در محیط خانه بسیار زیاد مورد تأیید قرار می‌گیرند، و بدین ترتیب خود بزرگ بین می‌شوند. درحالی که در مدرسه اصلاً این موقعیت را کسب نمی‌کنند. پس خود بزرگ بینی آنها مورد تهیدید قرار می‌گیرد و از این رو دیگر تمایلی ندارند که به مدرسه بروند، و در نتیجه از مدرسه بیزار می‌شوند.

* این کودکان دارای عوارض جسمی عود کننده هستند که علت مناسبی برای آن نمی‌توان پیدا کرد.

توصیه‌ها

۱ - تنبیه، تعویض مدرسه یا سرزنش والدین، هیچ دردی را دوا نمی‌کند، پس باید با توجه به علت، راهی مناسب برای درمان کودک یافت.

۲ - باید برای کودکی که با جدا شدن از مادر، شروع به گریستن می‌کند، تجارب جدایی از مادر را فراهم نمود تا در سنین بالاتر که وارد مدرسه می‌گردد، هراس وی به مدرسه منتقل نشود.

۳ - اگر علت اصلی ترس کودک، مدرسه یا یکی از جنبه‌های آن می‌باشد، باید برای رفع آن اقدام کرد و زمینه بازگشت دوباره به مدرسه را ایجاد نمود.

ملاک تشخیص مدرسه هراسی

کودکان مدرسه هراس را با ملاکهای زیر می‌توان تشخیص داد:

* والدین می‌کوشند تا کودک را به مدرسه بفرستند، اما موفق نمی‌شوند.

* کودک در زمینه‌های زیادی اضطراب نامعقول دارد، که دیگران در آن زمینه‌ها این نوع اضطراب را ندارند.

* اضطراب فوق با اطمینان دادن برطرف نمی‌شود.

* اگر اضطراب برطرف نشود به کانون دیگری متوجه خواهد شد.



- ۴- در صورت بی میل بودن کودک نسبت به مدرسه، باید وی را تشویق کرد تا به مدرسه برود.
- ۵- در صورت مشاهده گریه کودک در روزهای اولیه مدرسه، برگرداندن کودک از مدرسه نمی تواند بهترین راه باشد. بلکه باید جنبه های مثبت مدرسه را برای کودک شرح دهیم.
- ۶- اگر آموزشهای مدرسه در حد توان کودک نیست، حتماً او را به مدرسه دیگر مطابق با توانایی هایش منتقل کنیم.
- ۷- اگر کودکی به دلیل نقایص شنوایی یا ...

مورد تمسخر دیگران واقع شد، در این زمینه گفت وگوهای لازم را با کودکان دیگر انجام دهیم.

۸- در مورد غیبت دانش آموزان، ناظم مدرسه باید حساسیت بیشتری به خرج دهد و از والدین کسب اطلاع نماید، تا در صورت بی اطلاع بودن خانواده، اقدامات لازم انجام گیرد.

۹- گاهی کودکان به دلیل بیماری یکی از والدین نگران هستند. بنابراین باید به آنها اطمینان دهیم که در غیاب ایشان هیچ اتفاقی نخواهد افتاد.

زیرنویس ها:

1-school phobia

2-truancy

3-the lancet

منابع برای مطالعه بیشتر:

- ۱- سلطانی فر، حسن (مترجم)، جک اچ. کلان (مؤلف)، "بیماری از مدرسه"، انتشارات قدس رضوی، ۱۳۷۰
- ۲- منشی طوسی (مؤلف)، "اختلالات رفتاری کودکان"، انتشارات قدس رضوی، ۱۳۷۰
- ۳- میلانی فر، بهروز (مؤلف)، "روان شناسی کودکان و نوجوانان استثنایی"، نشر قومس، ۱۳۷۰

اطلاعیّه

مشترک گرامی: احتراماً به استحضار می رساند هرگونه وجوه واریزی مجله پیوند از تهران و شهرستانها که به حساب جاری ۲۳۸۸/۱ بانک ملت شعبه کیوان، خیابان طالقانی منظور می گردد، باید از طریق فیش های نقدی استفاده شود. لطفاً از ارسال فرم حواله جداً خودداری فرمایید. این امر نه تنها مشکلات بانک صاحب حساب را رفع می نماید، بلکه موجبات تسریع دریافت نشریه شما را نیز فراهم خواهد کرد. رعایت مراتب فوق الزامی است.

دفتر نشریه